

الگوهای ارتباطی خانواده و باور خودکارآمدی در نوجوانان دختر و پسر

مهرداد فراحتی^{۱*}، علی فتحی آشتیانی^۲، علیرضا مرادی^۳^۱ کارشناسی ارشد روانشناسی خانواده درمانی، دانشگاه علم و فرهنگ (Mehrzad83f@yahoo.com)^۲ دکتری روانشناسی بالینی، استاد دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله^۳ دکتری روانشناسی بالینی، دانشیار دانشگاه تربیت معلم

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی تأثیر الگوهای ارتباطی خانواده (جهت‌گیری گفت‌شوند و جهت‌گیری هم‌نواپی) بر باور خودکارآمدی در نوجوانان بود. بدین منظور ۱۸۷ دانش‌آموز (۱۱۰ دختر و ۷۷ پسر) پایه‌های اول و دوم دبیرستانی شهر تهران که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند پرسشنامه تجدید نظر شده الگوهای ارتباطی خانواده (کوئرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲) و مقیاس خودکارآمدی (شوارتز و جروسل، ۱۹۹۶) را تکمیل کردند. به منظور تحلیل داده‌ها از همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که جهت‌گیری گفت‌شوند خانواده رابطه مثبت و معناداری با خودکارآمدی نوجوانان دارد و آن را به طور مثبت پیش‌بینی می‌کند و جهت‌گیری هم‌نواپی خانواده به طور معناداری با خودکارآمدی نوجوانان رابطه منفی داشته و پیش‌بینی کننده منفی آن می‌باشد. بنابراین خانواده‌هایی که الگوی ارتباطی مبتنی بر گفت‌شوند دارند، فرزندان می‌آموزند که گفتار و رفتار آنها در ایجاد و تغییر پیامدهای زندگی شان تأثیر گذار است، مسئولیت اعمال و گفتار خود را برعهده می‌گیرند و باور خودکارآمدی در آنها رشد می‌کند.

کلیدواژه‌ها: جهت‌گیری گفت‌شوند، جهت‌گیری هم‌نواپی، خودکارآمدی.

مقابله با جمع اجتناب‌کننده، وقتی در بحث با دیگران اختلاف نظر دارند، تسلیم آنها شوند به بدین طریق جلوی اختلافات و درگیری‌های بین فردی را بگیرند (کوئرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۴).

تأثیر الگوهای ارتباطی خانواده (Family Communication Patterns) بر عوامل مختلف شخصیتی نوجوانان مورد بررسی قرار گرفته است، مانند عزت نفس، میل به کنترل، کمرویی، خودافشایی، خودپایی، محبوبیت اجتماعی و جامعه‌پذیری (هوانگ، ۱۹۹۹). همچنین رابطه بین الگوهای ارتباطی با ویژگی‌های رفتاری دیگر بررسی شدند از جمله اجتماعی شدن نگرش‌ها و رفتارهای کودکان (کوئرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۴)، سازگاری نوجوانان (کوروش‌نیا، ۱۳۸۵)، روابط رمانتیک نوجوانان (کوئرنر و ماک، ۲۰۰۴)، که نتایج نشان داد در بیشتر موارد بعد گفت‌شوند دارای پیامدهای مثبت و بعد هم‌نواپی پیامدهای منفی به دنبال دارد (کوئرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۴). افراد از خانواده‌هایی با جهت‌گیری گفت‌شوند، خودشان را قاطعانه‌تر می‌بینند، در نقش‌های رهبری وارد می‌شوند، میل به کنترل شخصی دارند، اجتماعی‌تر هستند، عزت نفس بالاتر و کمروبی کمتری دارند. افراد از خانواده‌هایی با جهت‌گیری هم‌نواپی میل به کنترل و رهبری کمتری دارند و عزت نفس پایین‌تری را نشان می‌دهند. توانایی برقراری ارتباطات اجتماعی در آنها کمتر است و از سازگاری پایین‌تری برخوردارند. فرزندان به توانایی خود برای تصمیم‌گیری و عملکرد مناسب در موقعیت‌های گوناگون شک می‌کنند و متکی بر تصمیمات والدین می‌شوند. بر این اساس می‌توان انتظار داشت در خانواده‌هایی با الگوی هم‌نواپی باور خودکارآمدی در سطح پایینی قرار داشته باشد و همچنین سطح بالای خودکارآمدی در میان خانواده‌هایی با جهت‌گیری گفت‌شوند دیده شود. از آنجا که خانواده‌هایی با جهت‌گیری گفت‌شوند، طرفدار گفتگوی آزاد بین فرزندان هستند و از استقلال فرزندان حمایت می‌کنند، در چنین خانواده‌هایی فرزندان میل قوی‌تری برای کنترل بر شرایط و موقعیت‌ها را دارند و توانایی آنها در تصمیم‌گیری و اعمال آن بیشتر است. بنابر این در این پژوهش کوشش شده است تا فرضیه‌های زیر مورد بررسی قرار گیرد. (۱) الگوی ارتباطی گفت‌شوند خانواده خودکارآمدی فرزندان را به طور مثبت پیش‌بینی می‌کند. (۲) الگوی ارتباطی هم‌نواپی خانواده خودکارآمدی فرزندان را به طور منفی پیش‌بینی می‌کند.

روش

شرکت‌کنندگان و طرح پژوهش

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش دانش‌آموزان دبیرستانی منطقه یک شهر تهران تشکیل بودند که به طور تصادفی از بین مناطق ۲۲ گانه شهر تهران انتخاب شد. گروه نمونه پژوهش را ۱۸۷ دانش‌آموز (۱۱۰ دختر و ۷۷ پسر) از پایه اول و دوم دبیرستان تشکیل می‌دادند که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ۱۰۵ دانش‌آموز پایه اول و ۸۲ دانش‌آموز پایه دوم بودند. دامنه سنی بین ۱۴ تا ۱۶ سال و میانگین و انحراف استاندارد به ترتیب برابر با ۱۴/۹۷ و ۰/۶۵ بود.

خودکارآمدی (Self Efficacy) از نظریه شناختی اجتماعی آلبرت بندورا نشأت می‌گیرد که بر نقش یادگیری مشاهده‌ای و تجارب محیطی و اجتماعی در رشد شخصیت تأکید دارد. در نظام بندورا، خودکارآمدی به احساس‌های شایستگی، کفایت و قابلیت در کنار آمدن با زندگی اطلاق می‌شود (شولتز و شولتز، ۲۰۰۵). بندورا خودکارآمدی را اعتقاد و داوری فرد درباره توانایی‌ها و مهارت‌های خود برای انجام کارها تعریف می‌کند. افرادی که خودکارآمدی بالایی دارند، هدف‌های چالش برانگیز و بالاتری را انتخاب می‌کنند، خود را بیشتر باور دارند و تلاش و یافشاری بیشتری از خود نشان می‌دهند و در نتیجه از عملکرد بهتری برخوردار هستند. ولی افرادی که خودکارآمدی پایین دارند، در برخورد با موانع و شکست‌ها به راحتی دلسرد می‌شوند، خود را ناتوان احساس می‌کنند و از عملکرد خوبی برخوردار نیستند، در نتیجه در برخورد با شرایط دشوار، احساس می‌کنند شرایط غیر قابل حل است که این مسئله منجر به فشار روحی و افسردگی می‌شود (بندورا، ۱۹۹۷). چنین افرادی هنگام برخورد با مشکلات، از تلاش خود کاسته و به راه حل‌های سطح پایین تن می‌دهند. آنها فعالیت‌ها و موقعیت‌هایی را بر می‌گزینند که تصور می‌کنند توانایی انجامشان را دارند و از فعالیت‌هایی که گمان می‌کنند فراتر از توانشان است دوری می‌کنند. از طرف دیگر افرادی که در برابر فشارهای روانی کارآمد هستند و عملکرد مناسبی دارند، احتمال آسیب‌پذیری کمتری در برابر فشارهای روانی و بدکارکردی‌های اجتماعی دارند و کمتر دچار اضطراب و تنیدگی می‌شوند (کاپرارا و همکاران، ۲۰۰۴).

یکی از مهمترین عواملی که بر ویژگی‌های شخصیتی افراد تأثیر می‌گذارد و می‌تواند به آنها کمک کند تا در موقعیت‌های گوناگون به شیوه‌ای مناسب عمل کنند، نوع تعامل با والدین است که می‌تواند اوضاع را تسهیل یا دشوار کند. در واقع متن خانواده و روابط بین والدین و فرزندان بر افکار و احساسات نوجوانان اثر می‌گذارد. در خانواده‌هایی که ارتباط باز است، تعارض کم است نوجوانان به احتمال بیشتری مفهوم مثبتی از خود رشد می‌دهند. بر همین اساس بررسی الگوها و نوع ارتباطات اعضای خانواده و تأثیر آن بر شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیتی خودکارآمدی در نوجوانان اهمیت بسزایی دارد. در زمینه ارتباطات موجود در خانواده، فیتزپاتریک و ریچی، دو بعد زیر بنایی جهت‌گیری گفت‌شوند (Conversation Orientation) و جهت‌گیری هم‌نواپی (Conformity Orientation) را معرفی کردند. جهت‌گیری گفت‌شوند تأکید بر ارزش ارتباط و تعامل فراوان، خودبه‌خودی و بدون اجبار و فشار بین اعضای خانواده دارد اعضای خانواده زمان زیادی را صرف برقراری ارتباط با یکدیگر کرده و به فرزندان اجازه داده می‌شود با والدین‌شان بحث و مناظره کنند و نظرات خود را عنوان کنند. چنین خانواده‌هایی تأکید دارند عقیده فرد حتی اگر مغایر با سایر افراد باشد باید بیان گردد (کوئرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۴). افراد خانواده، فعالیت‌ها، افکار و احساسات خود را با یکدیگر در میان می‌گذارند و تصمیمات خانواده با همفکری همه اعضا گرفته می‌شود (کوئرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲). جهت‌گیری هم‌نواپی به هماهنگی بین اعضای خانواده و اجتناب از هرگونه تعارض و مجادله در بین اعضا اشاره دارد. اغلب فشار برای موافقت و حفظ ارضیه خانوادگی وجود دارد. در این خانواده‌ها تمام تصمیمات توسط والدین گرفته می‌شود و از بچه‌ها انتظار می‌رود اطاعت کنند. والدین احساس می‌کنند آنها باید برای بچه‌ها تصمیم بگیرند، بچه‌ها یاد می‌گیرند در تصمیم‌گیری متکی بر والدین باشند و به مهارت‌های تصمیم‌گیری خودشان تکیه نکنند. این خانواده‌ها تأکید دارند که فرزندان آنها باید از تعارض و

با هم‌نوازی بالا بیشتر نگران پیامدهای منفی برقراری ارتباط یا بحث کردن با دیگران هستند ترس آنها از برقراری ارتباط منجر به باور ناتوانی و عدم خودکارآمدی می‌شود. فیتزپاتریک (۲۰۰۴)، عنوان می‌کند که در خانواده‌هایی با هم‌نوازی بالا که والدین صاحب اختیار فرزندان هستند و به فرزندان اجازه مشارکت در بحث‌ها و تصمیم‌گیری‌ها داده نمی‌شود، فرزندان یاد می‌گیرند که عقاید، نگرش‌ها و تصمیماتشان فاقد اهمیت است و باید از والدین و دستورات آنها پیروی کنند. مطالعه هوانگ (۱۹۹۹) نشان داد که رابطه مثبت و معناداری بین گفت و شنود خانواده و میل به کنترل درونی و عزت نفس بالاتر در فرزندان وجود دارد. نشان می‌دهد فرزندان خانواده‌هایی که به مکالمات باز، فراوان و راحت ارزش می‌دهند، میل قوی‌تری برای کنترل بر شرایط و موقعیت‌ها دارند و باور دارند که توانایی انجام امور محوله را داشته و خود می‌توانند بر آن فائق شوند.

پژوهش نادرلو (۲۰۰۱) نشان داد که رابطه مثبت و معناداری بین جهت‌گیری گفت و شنود خانواده و منبع کنترل درونی و رابطه مثبت و معناداری بین جهت‌گیری هم‌نوازی و منبع کنترل بیرونی در فرزندان وجود دارد. فردی با منبع کنترل درونی باور خودکارآمدی و توانمندی درونی برای تأثیر بر موقعیت و شرایط گوناگون را دارد. بنابراین خانواده‌هایی که کیفیت گفت و شنود آنها مطلوب است فرزندان تأثیر عقاید و نظرات خود را در تصمیم‌گیری‌ها می‌بینند و می‌آموزند که گفتار و رفتار آنها در ایجاد و تغییر پیامدهای زندگی شان تأثیرگذار است، در نتیجه مسئولیت اعمال و گفتار خود را بر عهده می‌گیرند و به این باور می‌رسند که خودکارآمد هستند. در خانواده‌هایی با جهت‌گیری هم‌نوازی، کودکان یاد می‌گیرند نسبت به توانایی تصمیم‌گیری خود بی‌اعتماد شوند و بر این باور باشند که دیگران باید برای آنها تصمیم بگیرند و رویدادهای زندگی شان توسط افراد مسلط تعیین می‌شود و خود توانایی تفکر و عمل در موقعیت‌های زندگی را ندارند.

هم چنین کوثرز و فیتزپاتریک (۲۰۰۴) نیز اشاره به وجود مهارت‌های اجتماعی، توانایی رهبری و عزت نفس پایین تر در فرزندان خانواده‌های دارای جهت‌گیری هم‌نوازی می‌کنند. در خانواده‌هایی که الگوی ارتباطی بین اعضا مبتنی بر هم‌نوازی و یکرنگی عقاید و نگرش‌ها است، کودکان مطیع تصمیمات والدین می‌شوند، نسبت به توانایی خود برای تصمیم‌گیری بی‌اعتماد شده و در قضاوت‌ها و عقاید شخصی شان احساس کارآمدی نمی‌کنند، در نتیجه باور خودکارآمدی در آنها تضعیف می‌شود. فرزندان خانواده‌هایی با الگوی گفت و شنود تشویق می‌شوند به راحتی ارتباط برقرار کنند، در تصمیم‌گیری‌ها شرکت می‌کنند و به نظرات آنها ارزش داده می‌شود و مورد استفاده قرار می‌گیرد، در نتیجه کودک یاد می‌گیرد که چگونه صحبت کند، عقاید و نظراتش را عنوان کند و مسئولیت رفتارهای خود را بر عهده گیرد، در این شرایط باور به توانمندی در انجام امور شخصی در او رشد می‌کند و باور خودکارآمدی در او تقویت می‌شود. در پژوهش حاضر سوالات پرسشنامه الگوهای ارتباطی، پدر و مادر را به عنوان یک واحد در نظر گرفته که نمی‌تواند نحوه ارتباط با هر یک از والدین را به طور جداگانه مورد بررسی قرار دهد. در نتیجه پاسخ دهندگان مجبور به انتخاب "گزینه نظری ندارم" می‌شدند.

الگوهای ارتباطی خانواده قابل تغییر و بهبود هستند و افراد از طریق آگاهی نسبت به وجود الگوی ارتباطی موجود در خانواده شان، آموزش دیدن و یادگیری نحوه برقراری ارتباطات مناسب می‌توانند الگوی ارتباطی مبتنی بر گفت و شنود را بر خانواده خود حاکم کنند، انجام تحقیقات مداخله‌ای برای آموزش خانواده و بررسی تأثیر آن بر الگوهای ارتباطی به منظور تحقیقات آتی پیشنهاد می‌شود.

منابع

رجبی، غلامرضا (۱۳۸۵). بررسی پایایی و روایی مقیاس باورهای خودکارآمدی عمومی (GSE-10) در دانشجویان روانشناسی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز و دانشگاه آزاد مرودشت. *فصلنامه‌اندیشه‌های نوین تربیتی*، دوره ۲، شماره ۱ و ۲.

کوروش نیا، مریم و لطیفیان، مرتضی (۱۳۸۶). بررسی رابطه ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده با میزان اضطراب و افسردگی فرزندان. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، دوره دهم، ۶۰۰-۵۸۷.

Bandura, A. (1997). *Self-efficacy: The Exercise of Control*. New York, NY: W. H. Freeman.

Caprara, G. V., Barbaranelli, C., Pastorelli, C., & Cervone, D. (2004). The contribution of self-efficacy beliefs to psychosocial outcomes in adolescence: Predicting beyond global dispositional tendencies. *Personality and Individual Differences*, 37(4), 751-763.

پرسشنامه الگوهای ارتباطی خانواده: برای تعیین ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده از پرسشنامه تجدید نظر شده الگوهای ارتباطی خانواده کوثرز و فیتزپاتریک، (۲۰۰۲) استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۲۶ سؤال با مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای از کاملاً موافقم (نمره پنج) تا کاملاً مخالفم (نمره یک) می‌باشد. ۱۵ گزاره اول مربوط به جهت‌گیری گفت و شنود و ۱۱ گزاره بعدی مربوط به جهت‌گیری هم‌نوازی است. مطالعات زیادی اعتبار پرسشنامه را از طریق آلفای کرونباخ برای بعد گفت و شنود در دامنه ۰/۷۹ تا ۰/۹۳ و برای بعد هم‌نوازی ۰/۷۱ تا ۰/۸۴ ذکر کرده‌اند (کوثرز و ماک، ۲۰۰۴؛ کوئستین، ۲۰۰۴ و کاکاوا و کوثرز، ۲۰۰۶). در ایران نیز کورش نیا (۱۳۸۵) ضریب اعتبار این ابزار را به روش آلفای کرونباخ برای بعد گفت و شنود و هم‌نوازی به ترتیب برابر ۰/۸۷ و ۰/۸۱ گزارش نموده است. در پژوهش حاضر نیز اعتبار آزمون به روش آلفای کرونباخ، برای بعد گفت و شنود ۰/۸۹ و برای بعد هم‌نوازی ۰/۸۶ به دست آمد. همچنین کوثرز و فیتزپاتریک (۲۰۰۲) این پرسشنامه را دارای روایی مطلوبی از هر سه دیدگاه محتوایی، ملاکی و سازه می‌دانند. در ایران نیز کورش نیا (۱۳۸۵) با استفاده از روش تحلیل عاملی و همسانی درونی، روایی مطلوبی برای این ابزار گزارش نموده است.

مقیاس خودکارآمدی عمومی: مقیاس باورهای خودکارآمدی عمومی در دهه ی ۱۹۷۹ توسط شوارتز و جروسلم ساخته شد. این مقیاس دارای ۲۰ گویه با دو خرده مقیاس جداگانه شامل خودکارآمدی و خودکارآمدی اجتماعی بود که در سال ۱۹۸۱ به یک مقیاس ۱۰ گویه‌ای کاهش یافت (شوارتز و جروسلم، ۱۹۹۵؛ نقل از رجبی، ۱۳۸۵). مقیاس کنونی دارای ۱۰ گویه ۴ گزینه‌ای با دامنه ۱ تا ۴ است که کمینه و بیشینه نمره آن ۱۰ و ۴۰ می‌باشد. اعتبار پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ در مطالعات زیادی مورد بررسی قرار گرفته که در دامنه ۰/۷۵ تا ۰/۹۱ گزارش شده است. در ایران نیز رجبی (۱۳۸۵) ضرایب همسانی درونی (آلفای کرونباخ و دینیمه سازی) را رضایت بخش عنوان کرده است. همچنین مطالعات زیادی این مقیاس را دارای روایی مطلوب ذکر کرده‌اند.

شیوه گردآوری داده‌ها

پس از انتخاب تصادفی مدارس و کلاس‌ها، تمام دانش‌آموزان یک کلاس به طور همزمان تمام پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند. قبل از اجرای آزمون به دانش‌آموزان توضیحاتی در مورد هدف از اجرای پژوهش و چگونگی پاسخ دهی به هر یک از پرسشنامه‌ها داده شد و گفته شد نیازی به ذکر نام و نام خانوادگی نیست و پاسخ‌ها محرمانه باقی می‌ماند. از آنها خواسته شد با دقت، صادقانه، مستقلاً و بدون مشورت با یکدیگر به سوالات پاسخ داده و نگران محدودیت زمانی نباشند. زمان صرف شده برای پاسخ دهی حدوداً ۴۰ تا ۵۰ دقیقه بود. با نظارتی که به عمل آمد تمام پرسشنامه‌ها توسط آزمودنی‌ها به طور کامل و بدون نقص تکمیل شد و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج

به منظور بررسی رابطه بین ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده و خودکارآمدی ابتدا همبستگی بین مؤلفه‌ها محاسبه گردید. ضرایب همبستگی نشان دهنده وجود رابطه مثبت و معنادار بین جهت‌گیری گفت و شنود و خودکارآمدی ($r = -0.28$) بود همچنین رابطه منفی و معنادار بین جهت‌گیری هم‌نوازی و خودکارآمدی ($r = -0.34$) را نشان دادند که در سطح ($P < 0.01$) معنادار بودند. به منظور بررسی قدرت پیش‌بینی خودکارآمدی نوجوانان توسط هر یک از ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده از تحلیل رگرسیون استفاده شد که در جدول‌های ۱ ارائه شده است.

نتایج تجزیه و تحلیل‌ها حاکی از آن است که اندازه R^2 حاصل از ورود متغیرهای پیش‌بین (جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری هم‌نوازی) به تحلیل بیانگر آن است که این متغیرها می‌توانند ۱۵ درصد از تغییرات متغیر ملاک (خودکارآمدی) را تبیین نمایند، ($f^2 = 8/49$; $df = 2$; $p = 0/0001$).

همچنین مقادیر f و سطح معناداری حاکی از معناداری ضرایب رگرسیون متغیر گفت و شنود و هم‌نوازی در سطح $P < 0.0001$ است. جهت‌گیری گفت و شنود خانواده پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار خودکارآمدی ($\beta = 0.29$) و جهت‌گیری هم‌نوازی پیش‌بینی‌کننده منفی و معنادار خودکارآمدی نوجوانان می‌باشد ($\beta = -0.21$).

بحث

نتایج حاصل از پژوهش حاضر فرضیه‌های پژوهش را تأیید کرد و نشان داد که وجود الگوی ارتباطی مبتنی بر گفت و شنود در خانواده با باور خودکارآمدی در فرزندان رابطه مثبت و معنادار دارد و آن را به طور مثبت پیش‌بینی می‌کند. الگوی ارتباطی مبتنی بر هم‌نوازی با باور خودکارآمدی نوجوانان رابطه منفی و معناداری داشته و پیش‌بینی‌کننده منفی آن می‌باشد. یافته‌های حاصل از پژوهش‌های مشابه نشان می‌دهند که فرزندان خانواده‌هایی با جهت‌گیری گفت و شنود، کفایت، توانایی و شایستگی بیشتری در برقراری ارتباط دارند و در این ارتباطات احساس توانمندی و کنترل خوبی دارند (کوئستین، ۲۰۰۴). به این دلیل که افرادی از خانواده‌هایی

Huang, L.N,& (1999). *Family communication patterns and personality*. characteristics. Academic Research Library. (47):230-44.

Koerner, A.F, & Fitzpatrick M A. (2002). Toward a theory of family communication. *Communication Theory*. (12):70-91.

Koerner, A.F, & Fitzpatrick MA. (2002). *Understanding family communication patterns and family functioning: The roles of conversation orientation and conformity orientation*, 26th ed. *Communication Year Book*. p. 37-69.

Koerne, A.F, & Maki L. (2004). *Family communication patterns & social support in families of origin and adult children subsequent intimate relationships*. Paper presented at the International Association for Relationship Research Conference, Madison.22-25.

Nardello AM. (2002). The Relationship between Family Communication Patterns and Locus of Control. Morgantown: University of West Virginia. p. 18-21.

Schultz, D.P. & Schultz, S.E. (2005). *Theories of Personality* (Eight Edition). Wadsworth: Thomson. I.S.B.N.: 0-534-62403-2.

